

## خوانشی از نسخه خطی تاریخ عجم به سیاق (سیاق التواریخ)

علی احمد الیاسی<sup>۱</sup>

انور خالندی<sup>۲</sup>

### مقدمه

سلسله صفویه یکی از حکومت‌های ایران پس از اسلام است که شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۷ هـ. ق آن را پایه‌گذاری کرد. در این زمان به دنبال فروپاشی حکومت ایلخانان و تیموریان، کشور دوره‌ای از هرج و مرج سیاسی و اجتماعی را تجربه می‌کرد که با اقدامات شاه اسماعیل و شاه تهماسب و سرانجام شاه عباس اول، دولت متمرکز نیرومندی در حول رسمیت مذهب شیعه پدید آمد. دوران حکومت صفوی در ایران با فراز و نشیب‌های زیادی روبرو بود. با ایجاد آرامش و ثبات نسبی در سال‌های میانی حکومت صفوی، به ویژه دوران شاه عباس و جانشینان وی که از دستاوردهای شاه عباس برخوردار بودند، یک رونق علمی و ادبی در ایران ایجاد شد و این رونق و شکوفایی در جنبه‌های مختلف از جمله ادبیات، شعر، نقاشی، معماری، فلسفه و تاریخ، نمایان شد. یکی از جلوه‌های فکری حیات فرهنگی ایران در این دوره تاریخ بود که رونق و نمود شایانی در دوره صفویه پیدا کرد. فرمانروایان صفوی به دلایل مختلف از جمله ثبت وقایع روزگار فرمانروایی‌شان، کسب مشروعیت سیاسی و دینی از طریق روایت و باز نویسی تاریخ، از آن حمایت کردند؛ بنابراین در دوران فرمانروایی صفویان، کتب تاریخی ارزنده‌ای در ایران تألیف شد و آن دوران را به یکی از ادوار شکوفایی تاریخ‌نگاری ایران تبدیل گشت.

هدف پژوهش حاضر، معرفی یکی از آثار وقایع‌نگارانه دوره صفوی است که تلاش می‌شود علاوه بر

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران.

شناسایی اثر و بررسی عصر زمانی آن که رسم معهود در این زمینه است، به بررسی جنبه‌های اندیشه تاریخی نگاری نویسنده و شناسایی فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی زمانه وی و روندهای اساسی مذهبی و دینی آن دوره نیز پرداخته شود و تأثیر فاکتورهای مزبور بر نویسنده و اثر وی نمایانده شود؛ سپس به بیان دیدگاه‌های تاریخ‌نویسانه وی پرداخته و اندیشه تاریخی نگاری و منظومه فکری و سبک نگارش ادبی و تاریخی وی را بیان می‌کنیم. از آنجا که اثر حاضر در دوران فرمانروایی شاه صفی به نگارش در آمده، در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد که نگاهی به تاریخ‌نویسی دوره صفویان و سبک نگارش آثار تاریخی هم داشته باشیم. روش تحقیق حاضر بر پایه بررسی اثر و سپس تطبیق و مقابله آن با متون متقدم، استوار است و پس از طریق مذاقه در متن نسخه و کشف شواهد و قرائن، سایر متون الگویی وی را شناسایی کرده، بر اساس فاکتورهای کشف شده (نویسنده، زمانه وی، عصر تألیف، شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی مذهبی و فرهنگی آن دوران، شواهد و قرائن موجود در متن نسخه و متون الگو) به بازیابی و بازشناسی روش و بینش نویسنده و دیدگاه و اندیشه تاریخی نگاری وی اقدام خواهد شد. سؤالاتی را که این پژوهش در پی پاسخ دادن به آنهاست، بدین گونه است:

۱. الگوهای مؤلف در تألیف اثر کدام است؛ آیا مبدع است یا مقلد؟
۲. سبک تاریخی نگاری و نگارش ادبی اثر چگونه است؟
۳. محتوای اثر چیست و راه‌های نگارش مؤلف کدام است؟
۴. دیدگاه‌ها و اندیشه تاریخی نگاری مؤلف کدام است؟

### تاریخ عجم به سیاق

سیاق التواریخ، مجدول التواریخ، تاریخ سنواتی، خلاصة التواریخ، مجمل التواریخ، تاریخ تقویمی، تقویم التواریخ و تاریخ پادشاهان عجم، تاریخ کوتاه ایران و جهان است از پادشاهی کیومرث و برخی از حضرت آدم تا معمولاً روزگار نویسندگان. آغاز و انجام نسخه‌ها متفاوت و گوناگون است و در بیشتر نسخه‌ها، شماره به سیاق نوشته شده است.<sup>۲</sup> به طور کلی تاریخ سیاقی (سنواتی) یکی از شیوه‌های تاریخ‌نویسی در روزگاران گذشته بوده است که هدف آن علم به تعداد افراد پادشاهان بوده و سیاق کیفیت آن، موافق علم سیاق وضع شده است. این هم نوعی از وقایع‌نگاری، نوشتن تاریخ عمومی یا تاریخ جهان است که در آن مؤلفان، رویدادهای پس از اسلام را هم بیان کرده‌اند.<sup>۴</sup>

این شیوه تاریخ‌نویسی با تاریخ‌نویسی عمومی سال‌شمارانه، تفاوت‌ها و مشابهت‌هایی دارد. تشابهات آن به حدی است که حتی می‌توان آن را نوعی تاریخ‌نویسی عمومی به شمار آورد، اما افتراق این دو شیوه از آن جهت است که تواریخ سیاقی بسیار خلاصه، مجمل و موجز نوشته شده‌اند، به گونه‌ای که در بسیاری موارد فقط به ذکر اسامی پادشاهان و مدت سلطنت آنان بسنده شده است.

خوانشی از نسخه خطی تاریخ عجم به سیاق/ علی احمد الیاسی - انوار خالندی

### نسخه‌های کتاب و مشخصات ظاهری آنها

از تاریخ عجم به سیاق، دو نسخه موجود است که یکی متعلق به اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی و دیگری در اختیار کتابخانه ملی است. در این مبحث به معرفی مشخصات آنها پرداخته می‌شود. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی: این نسخه با عناوین تاریخ پادشاهان عجم، مجمل‌التواریخ و تاریخ‌عجم به سیاق شناخته می‌شود که احتمالاً مؤلف آن شخصی به نام محمد ابراهیم بن اسماعیل بوده، چون در ذیل تمام صفحات، مهری بیضی با سجع عبده محمد ابراهیم بن اسماعیل زده شده است و به نظر می‌رسد نویسنده کتاب او باشد.<sup>۵</sup>

کتاب، مجمل‌التواریخ، تاریخ پادشاهان ایران است از کیومرث تا شاه صفی اعداد و رقم‌ها به سیاق نوشته شده و تالیف آن هم در نیمه قرن ۱۱ ه. ق. است. نویسنده این کتاب، ریزه‌کاری‌های جالب و نکته‌های تاریخی سودمند در کتاب خود گنجانده و نیز روشی خاص و غریب دارد. از عنوان‌هایی که بالای تمام صفحات تکرار شده، به طور خلاصه چنین فهمیده می‌شود که کتاب دارای هفتاد مجمل و پنجاه و هفت حرف و چند دفعه است.<sup>۶</sup>

موضوع کتاب همچنانکه اشاره شد، تاریخ پادشاهان عجم است و کتاب با این جمله آغاز می‌شود: از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده‌اند، از ابتدای سلطنت کیومرث ... الی جلوس شاه عباس دوم.

که البته در مورد روش و محتوای کتاب در مبحث‌های بعدی به طور مفصل صحبت خواهد شد. پایان یا انجام نسخه: در لوی ثیل ۱۰۴۹ بیلاق و قشلاق در دارالسلطنه اصفهان واقع شد و ... در سنه ۱۰۵۰ ق. نواب رضوان جایگاه همایون به عزم یورش دارالقرار قندهار ... در ... کاشان مریض شد به تاریخ شب چهارشنبه ۱۸ صفر به عالم بقا و جنت المأوی و فردوس اعلی انتقال فرمودند. انالله وانا الیه راجعون. مدت سلطنتش بیست و دو عام و هفت ماه.<sup>۷</sup>

این نسخه به خط نستعلیق قرن ۱۱ ق. با صفحات مجدول بزرگ و لاجوردی و سنگرف، کنار و حاشیه چند برگ آغازین و پایان وصله‌ای شده است. بر سه برگ اضافی آغاز نسخه، چند یادداشت تاریخی کهنه و نو دیده می‌شود. نسخه در قطع وزیری ۱۹ × ۲۷ سانتی‌متر با جلد تمیاج قهوه‌ای و از کاغذ اصفهانی با سطور گوناگون در ۱۴۴ صفحه است. شماره ثبت قدیم آن ۶۱۸۶۱ و شماره جدید آن ۸۲۶۰ است.<sup>۸</sup>

اکنون به بیان مشخصات و اختصاصات نسخه سازمان اسناد و کتابخانه ملی می‌پردازیم. انوار در فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ذیل عنوان تاریخ تقویمی می‌نویسد: «نویسنده بدون معرفی خود به تألیف این کتاب اقدام کرده که مشتمل بر وقایع تاریخی عالم از عهد کیومرث تا سال ۱۰۵۱ ه. ق. است. مطالب بسیار مختصر و فهرست‌وار آمده و در ذکر حوادث، فقط قناعت به نام حوادث و تاریخ آن شده است».<sup>۹</sup>

در ذکر حوادث تاریخی قبل از اسلام ایران بر شاهنامه ابوالقاسم فردوسی، تاریخ‌گزیده حمدالله مستوفی تکیه کرده و از مطالعه کتاب بر می‌آید که مؤلف آن مذهب شیعه داشته است. این بخش دیگری از

خوانشی از نسخه خطی تاریخ عجم به سیاق / علی احمد الیاسی - انوار خاندی

گفته‌های سید عبدالله انوار در مورد تاریخ تقویمی (تاریخ عجم سیاق) است.<sup>۱۰</sup>

پس انوار به معرفی آغاز و انجام کتاب مزبور پرداخته و چنین می‌نویسد:

«آغاز: بسمله و مجمل التواریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند، از ابتدای سلطنت کیومرث که بعضی او را آدم علیه السلام ...

انجام: یونت ثیل ۱۰۵۰ نواب همیون به عزم یورش قندهار از اصفهان بیرون آمده، در دارالمؤمنین کاشان مریض و در شب چهارشنبه ۱۸ شهر صفر به عالم جاودانی انتقال نمود. انا لله و انا الیه راجعون. مدت سلطنت او سیزده عام و شش ماه بود<sup>۱۱</sup>

در این نسخه در پایان کتاب، جملات زیر نیز به چشم می‌خورد:

آخر نسخه: مجمل التواریخ که متضمن حصول علم بر تعداد و افراد پادشاهان عجم است و سیاق کیفیت آن موافق صیغ علم سیاق وضع و در موازی [کلمه‌ای ناخوانا] حسب الفرموده عالی حضرت [؟] میرزایی از روی افراد مذکور نقل شد که به قرینه فصول علم آن معمول و وصل به ادراک لذت اخبار ماضیه مفهوم گردد؛ بدین ترتیب کتاب با این جملات به پایان می‌رسد و ذیل آن نوشته‌ای بدین مضمون، دیده می‌شود: به تاریخ شهر ربیع الاول ۱۰۹۱ مرقوم شکسته رقم اقل عباد الله الغنی میرزا محمد الحسین البروجردی گردیده است.<sup>۱۲</sup>

این نسخه به خط نستعلیق خوش به تاریخ ۱۰۹۱ق، شاید در اصفهان استنساخ شده که دارای مشخصات ذیل است: دارای دو جدول، دور سطور از سیاه اسماء و اعلام و مدت سلطنت پادشاهان با مرکب قرمز، کاغذ آن از نوع دولت آبادی، تعداد صفحات آن ۱۳۷ برگ به مقیاس ۷۰ × ۱۷ سانتی متر و دارای ۱۷ سطر است.<sup>۱۳</sup> علاوه بر نسخه‌های یاد شده که در اختیار نگارنده قرار دارد، نسخه‌های دیگری هم از این گونه وجود دارد که تحریرها و مبدأ و انجام نسخه‌ها گوناگون است. از جمله کتابی از این گونه به نام خلاصه التواریخ یاد شده است. نسخه‌ای از آن به نام تاریخ پادشاهان عجم که از کیومرث آغاز و پایان روزگار فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲) را در بردارد و به سال ۱۲۶۲ ه. ق در تهران در ۳۲۰ صفحه چاپ شده است. نسخه‌ای دیگر از آن به نام تاریخ پادشاهان تقویم التواریخ فهرست شده و در کتابخانه ملی موجود است. و در همان جا نسخه‌ای دیگر به شماره ۱/۱۱۴۶ با تاریخ ۱۲۵۲ در دفتر موجود است که از کیومرث تا سال ۱۰۵۱ ه. ق و در پشت صفحه اول به نام مختصر التواریخ و نسخه‌ای دیگر به شماره ۱۴۷۴ به نام خلاصه التواریخ خوانده شده که از کیومرث تا شاه عباس سوم صفوی را در بردارد.

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه‌ای به شماره ۲۸۰۸ به خط نستعلیق و به تاریخ ۱۲۵۶ ق. به نام خلاصه التواریخ موجود است که تاریخ ایران را فهرست‌وار، از پیشدادیان تا مظفرالدین شاه قاجار در بردارد. نسخه دیگری از این اثر در تهران در کتابخانه سلطنتی به شماره ۱۰۱۶۸ و تاریخ ۱۲۶۱ موجود است که در فهرست به نام تاریخ سیاقی آمده است. در فهرست کتابخانه رضوی مشهد، نسخه‌ای از این اثر به شماره ۲۵۴ و تاریخ ۱۲۶۱ ق. موجود است و نسخه‌ای دیگر از آن به نام سیاق التواریخ است که تاسرگذشت فتحعلی شاه و همسران و فرزندان او می‌رسد. در کتابخانه دانشکده ادبیات تهران نیز نسخه‌ای به شماره

۲۵۸ به همین نام موجود است.<sup>۱۴</sup>

اکنون بخش شناسایی نسخه‌های این اثر را به پایان برده، معرفی زمانه تألیف نسخه تاریخ عجم به سیاق را که موضوع پژوهش حاضر است، پی می‌گیریم و مبحث مقایسه دو نسخه موجود در نزد نگارنده را به مجال دیگری در همین پژوهش موکول می‌کنیم. قبل از شروع مبحث جدید، بیان این نکته جالب توجه است که به نظر می‌رسد سیاق التواریخ نویسی در ادوار گذشته تاریخ ایران به خصوص نیمه دوم حکومت صفوی از شاه صفی به بعد، دارای رونق خاصی بوده و احتمالاً نسخه تاریخ عجم به سیاق در این زمینه نقش یک الگو را برای مورخان بعدی ایفا می‌کرده است.

### زمانه تألیف اثر

بر اساس برخی شواهد و قرائن موجود در متن کتاب، می‌توان چنین گفت که این اثر احتمالاً در سال ۱۰۵۱ ه. ق اواخر حکومت شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ق.) نوشته شده است. از جمله شواهد و قرائنی که ما را به این نظر رهنمون می‌شود، می‌توانیم از موارد زیر یاد کنیم: نخست آنکه در این کتاب تاریخ ۱۰۵۲ ه. ق قید شده که به احتمال قوی سال نگارش این اثر است.<sup>۱۵</sup> دوم آنکه این کتاب سیر جریان حوادث را تا پایان پادشاهی شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸) در بردارد.

ناگفته نماند که تواریخ عمومی معمولاً از آغاز خلقت جهان تا روزگار نویسنده را در بر دارد.<sup>۱۶</sup> سوم اینکه از پادشاهان صفوی در این اثر طرفداری شده و با عناوین و القاب پرطمطراقی از آنان یاد شده است. و نیز نویسنده این اثر طرفدار مذهب تشیع در مقابل سایر مذاهب از جمله اهل تسنن است.<sup>۱۷</sup> سید عبدالله انوار هم در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی، سال نگارش این اثر را ۱۰۵۱ ه. ق بیان کرده است.<sup>۱۸</sup> در فهرست نسخه‌های خطی مجلس نیز زمانه استنساخ این اثر قرن یازدهم ه. ق یاد شده به این ترتیب هر دو منبع یاد شده این اثر را متعلق به قرن یازدهم ه. ق می‌دانند.<sup>۱۹</sup>

### معرفی نویسنده کتاب

در مورد نویسنده این اثر نمی‌توان با قاطعیت سخنی به میان آورد، چون نخست آنکه این اثر فاقد دیباچه و مقدمه بوده و نویسنده بلافاصله به بیان رویدادها پرداخته است. دیگر آنکه در متن کتاب هم سخنی از نویسنده آن پیش کشیده نشده است و از لابه‌لای سطور و نوشته‌های اثر هم شواهد و مدارکی در این مورد یافته نمی‌شود یا اینکه دستگیر نگارنده نشده است، با تمام این احوال مهتری بیضی با سجع عبده محمد ابراهیم بن اسماعیل بر تمام صفحات این اثر نقش بسته است.

با توجه به اینکه در گذشته، نویسندگان آثار خود را به نام خویش مهور می‌کردند، بعید به نظر نمی‌رسد که این شخص همان نویسنده اثر باشد.<sup>۲۰</sup>

آقای حائری در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی با استناد به همین مسئله، محمد ابراهیم بن اسماعیل را به عنوان نویسنده تاریخ عجم = مجمل التواریخ معرفی کرده است؛<sup>۲۱</sup> بنابراین در مورد نگارنده

خوانشی از نسخه خطی تاریخ عجم به سیاق/ علی احمد الیاسی- انوار خالندی

این اثر و احوال و اوضاع او همین مسئله را می‌پذیریم.

### معرفی محتوای اثر:

تاریخ پادشاهان عجم (مجمّل التواریخ= تاریخ سیاق)، همچنانکه از عنوان آن مستفاد می‌گردد، تاریخ پادشاهان عجم است که در ایران سلطنت کرده‌اند که از کیومرث آغاز و به دوران شاه صفی ختم می‌گردد. این اثر در ۱۳۱-۱۳۳ صفحه تألیف شده است. مؤلف اثر محمد ابراهیم بن اسماعیل، اثر خود را در دو حرف نگارش کرده و هر حرف شامل چندین دفعه و هر دفعه شامل چند نفر است. چنین شیوه تقسیم‌بندی بنا بر ادعای مؤلف، بر اساس علم سیاق بوده است و اینک به معرفی بخش‌های این اثر می‌پردازیم:

حرف اول: احوال پادشاهانی که قبل از اسلام سلطنت کرده‌اند و این حرف شامل چهار دفعه و هفتاد و یک نفر بوده که مدت سلطنت ایشان چهار هزار و بیست و نه سال است.

دفعه اول: شامل پادشاهان پیشدادیان و آثار و اختراعات ایشان است که یازده نفر بوده و مدت سلطنت آنها دو هزار چهارصد و پنجاه سال است.<sup>۲۲</sup>

دفعه دوم: نویسنده در ادامه همین مطالب، دفعه دوم کتاب خود را نوشته که شامل پادشاهان کیانی است که ده نفر بودند و مدت سلطنت آنان هفتصد و سی و چهار سال بود.<sup>۲۳</sup>

دفعه سوم: نویسنده در این دفعه به بیان ملوک الطوائف پرداخته که از عهد اسکندر تا زمان اردشیر بن بابکان سلطنت کرده‌اند، وی تعداد پادشاهان ملوک الطوائف را ۲۱ نفر ذکر کرده و مدت سلطنت آنها را ۳۲۶ سال نوشته و آثار و اختراعات ایشان را هم در کتاب خود گنجانده است؛ البته در این قسمت نویسنده پادشاهان ملوک الطوائف را در دو فرقه بیان کرده که فرقه اول شامل انخطس رومی است و فرقه دوم سیزده نفرند که به مدت ۱۷۳ سال حکومت کرده‌اند.<sup>۲۴</sup>

دفعه چهارم در ذکر پادشاهان ساسانی است که ایشان را اکاسره هم خوانند و ۲۹ نفرند و مدت سلطنت ایشان ۵۱۹ سال بود.<sup>۲۵</sup> در این بخش، حرف اول کتاب با پایان سلطنت ساسانیان به اتمام می‌رسد که شامل چهار دفعه بود.

بخش بعدی کتاب به نام حرف ثانی است که چهارده دفعه را در بردارد و مشتمل بر تاریخ پادشاهان عجم بعد از ظهور اسلام است که در مملکت ایران حکومت کرده‌اند.

دفعه اول از حرف ثانی: احوال پادشاهان بنی‌امیه است که نویسنده با عنوان علیهم‌اللعنه و الهاویه یاد کرده است که نشان تعصب مذهبی وی است و چهارده نفر از این خاندان حکومت کرده‌اند و مدت حکومت ایشان نود سال و یازده ماه و بیست روز بوده است.<sup>۲۶</sup>

دفعه دوم تحت عنوان در ذکر خلفای بنی‌عباسی و حکومت‌های معاصر آنان که باج‌گزار بنی‌عباس بودند نوشته شده است و این شیوه معمولاً در تاریخ‌نگاری‌های عمومی مرسوم نبود. تاریخ پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین را نادیده گرفته و ذکری از این دوره به میان نیاورده است. احتمالاً یکی از دلایل این امر را می‌توان چنین بیان داشت که وی تاریخ حکومت‌های ایرانی را می‌نوشت. شاید بتوان این امر را در

خوانشی از نسخه خطی تاریخ عجم به سیاق/ علی احمد الیاسی - انوار خالندی

مورد دوران حکومت پیامبر (ص) صادق دانست، اما در مورد دوره خلفای راشدین، این مسئله مصداق کلی ندارد و در این دوره ایران بخشی از قلمرو جهان اسلام بود که تحت حاکمیت اعراب مسلمان قرار داشت. مسئله دیگر اینکه نویسنده پس از ذکر تاریخ بنی امیه، در مبحثی تحت عنوان تاریخ خلفای عباسی به بیان رویدادهای سلسله‌های ایرانی قرون نخستین اسلامی پرداخته و دلیل این امر را تابعیت حکومت‌های ایرانی از خلافت عباسی بیان کرده است.

همچنین در این بخش تحت عنوان دفعه دوم، نویسنده به شرح رویدادهای ایران در زمان حکومت‌های سامانیان، صفاریان، غزنویان، غوریان، دیلمیان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، اتابکان شام و دیار بکر، اتابکان فارس، اتابکان لرستان، اسماعیلیان ایران، قراختاییان کرمان و خلفای بنی عباس می‌پردازد.<sup>۳۷</sup> آنچه در این مبحث قابل بیان است، اینکه نویسنده برخی از قرون نخستین اسلامی مانند طاهریان را نادیده انگاشته و به علاوه تاریخ خلافت عباسیان را نسبتاً مفصل شرح داده و رویدادهای مربوط به حکومت خوارزمشاهیان را قبل از خلافت عباسی بیان کرده است.

فرقه سوم از دفعه چهارم در بیان رویدادهای مربوط به حکومت مغولان است که از ابتدای سلطنت النجه خان تا سلطان حسین آل چوپان، جلایریان و آق قویونلوها را در بردارد. در این بخش نویسنده به بیان حسب و نسب ترکان پرداخته و پس از ذکر نسب نامه چنگیز، به بیان فتح ایران توسط مغولان و رویدادهای دوره ایلخانان مغول در ایران پرداخته است که البته مطالب راجع به ترکان و چنگیز خان مختصر و موجز است. در ادامه مبحث تحت عنوان در ذکر پادشاهان مغول، به بیان رویدادهای تاریخ ایران در زمان تیمور و جانشینان وی پرداخته و با بیان سلسله‌های آل چوپان و ایلخانان و سپس آق قویونلوها، مطالب خود را به پایان برده است.

آنچه در این قسمت جالب توجه است، اینکه نویسنده حکومت‌های پس از ایلخانان مانند آل چوپان، آل جلایر، و حتی حکومت آق قویونلوها را تحت عنوان پادشاهان مغول نگاشته و در یک فرقه از کتاب گنج‌نیده است.<sup>۳۸</sup> به علاوه در این قسمت، نویسنده به بیان اسامی علما، شعرا، عارفان و غیره اقدام کرده است. فرقه چهارم از دفعه چهارم که در واقع آخرین فرقه کتاب است، در بیان رویدادهای مربوط به سلسله صفویان است که نویسنده با بیان سلسله نسب شاه اسماعیل آن را آغاز کرده و سپس با ذکر رویدادهای زمان شاه صفی و مرگ وی، آن را به پایان رسانیده است.<sup>۳۹</sup>

### سبک نگارش کتاب

به منظور بررسی سبک اثر حاضر، ناگزیر باید به سبک ادبیات و تاریخ‌نویسی در دوره صفویه و دوره ما قبل آن، یعنی مغول به تحقیق و تفحص پرداخت. با تسلط مغولان بر ایران از آنجا که مغولان از خود ادبیات نداشتند و فرزندان و امرای آنان انس و آشنایی چندانی با زبان و ادبیات فارسی نیافتند و به دلیل از میان رفتن کتاب‌ها و دانشمندان و علما یا مهاجرت آنان از ایران نثر نظم فارسی هم بی‌رونق شد. بنابراین مقدمات در قرن هفتم به تدریج نثر ساده بر نثر فنی رجحان یافت و تواریخ عمومی که در این دوره نوشته

شد، جز یکی دو تا، مابقی به نثر ساده تألیف گردید.<sup>۳۰</sup> به دنبال یورش تیمور، انحطاط ادبی در این عصر همچنان ادامه داشت. تنها تاریخ و خط و فن مینیاتور سازی و تذهیب و معماری رو به ترقی داشت. نگارش کتب تاریخ به زبان ساده که از اواخر قرن هفتم مقبول افتاده بود، پیروی شد.<sup>۳۱</sup> در عهد صفویه، نثر فارسی مشوش است که در هیچ زمانی نظیرش دیده نمی‌شود. ادوارد براون در بحث از نثر صفوی، آن را به نوع ساده و مصنوع تقسیم کرده است.<sup>۳۲</sup>

بهار، نثر دوران صفوی را به سه دسته تقسیم می‌کند: نثر مصنوع و متکلف که نوشته‌ها و مناشیر دیوانی بدین گونه نوشته می‌شد و برخی مورخان نیز تواریخ خود را بدین شیوه می‌نوشتند و برخی راه بینابین پیش گرفته‌اند و از طرف دیگر جماعتی از علما و اهل فضل طوری کتب خود را ساده و سست و عامیانه تألیف کرده‌اند که سوای سهولت استفاده عوام که هدف اصلی مؤلفان هم جز این نبوده است، فایده دیگری بر آن مترتب نیست.<sup>۳۳</sup> از طرف دیگر، نثر فارسی در این دوره تحولاتی را پشت سر گذاشت که آن را به سوی یک نثر فنی و متکلف رهنمون شد. برخی از این عوامل عبارتند از: ورود لغات ترکی و مغولی به زبان فارسی که قرن‌ها قبل از صفویه شروع شده بود؛ دوم آموزش‌های خاص مورخان است، چون اکثر این عده از دیوان سالاران، منشیان، قضات و علمای دینی بودند؛ سوم به کار بردن اصطلاحات و تعابیر پیچیده و متکلف فارسی و عربی که نشان فضل و فخر ادبی بود. نکته مهم دیگر، قداست سلاطین صفوی و جایگاه مذهبی و معنوی آنان بود که هر نوع نام بردن و اشاره به افراد این دودمان، مستلزم استفاده از القاب و عناوین و رموز خاص و فراوانی بود.<sup>۳۴</sup>

به هر حال، منابع تاریخ‌نگاری این عصر را نمی‌توان به طور کلی فاقد و جاهت ادبی و نثری ساده و روان دانست. به نظر می‌رسد برخی منابع این دوره در مقایسه با اکثر منابع این عصر، دارای نثری ساده هستند. با مرگ شاه عباس اول و آغاز انحطاط تدریجی حکومت صفویان، نثر و تاریخ‌نویسی این دوره هم از آن تبعیت نمود و سبک ساده و روان و گاه حتی عوام‌پسند، آرام آرام جای خود را بین نویسندگان باز کرد؛ بنابراین با بیان این مقدمات، می‌توان گفت که کتاب حاضر دارای نثر ساده و روان و جمله‌بندی‌های آن اغلب کوتاه و موجز است و لغات ترکی و مغولی در حوزه اصطلاحات سیاسی، نظامی و اقتصادی کتاب به چشم می‌خورد. به علاوه اصطلاحات خاص زبان عربی در حوزه دینی و مذهبی هم در آن راه یافته است.<sup>۳۵</sup>

### سبک تاریخ‌نگاری عمومی

تاریخ‌نگاری عمومی، یکی از سبک‌های تاریخ‌نگاری در ایران بود که از قرن چهارم تا دوره قاجار ادامه یافت. مؤلفان این گونه آثار، جهان‌بینی اسلامی داشتند و در تألیف تاریخ جهان بیشتر به روایت‌های ایرانی و اسلامی توجه می‌کردند و به تاریخ یونان، روم، چین و هند پیش از اسلام کمتر می‌پرداختند. این مورخان آثار خود را از خلقت عالم آغاز می‌کردند و پس از شرح آفرینش آدم و سرگذشت پیامبران، به تاریخ اساطیری ایران از کیومرث (نخستین انسان و نخستین پادشاه) می‌پرداختند و تا پایان عهد ساسانی را می‌نوشتند؛ سپس تاریخ اسلام را از زندگی پیامبر اکرم و تاریخ سلسله‌های ایرانی را تا عصر خود می‌نگاشتند؛ از این رو



خوانشی از نسخه خطی تاریخ عجم به سیاق/ علی احمد الیاسی - انوار خالندی

تاریخ عمومی تقریباً به صورت خلاصه‌ای از تاریخ سلسله‌ها و تاریخ‌های محلی در آمد. برخی از این آثار به ترتیب سالشماری نوشته شده و برخی به صورت موضوعی نگارش یافته‌اند.

در دوره صفویان (۹۰۶-۱۱۳۵ ه. ق) برخی از مورخان به تألیف تاریخ عمومی ایران، به ویژه حکومت پادشاهان صفوی، روی آوردند؛ از جمله یحیی بن عبدالطیف قزوینی مؤلف لب‌التواریخ تألیف ۹۴۸ ق، قاضی احمد غفاری قزوینی مؤلف تاریخ جهان آرا تألیف ۹۷۲ ق، عبدی بیگ شیرازی مؤلف تکملة الاخبار تألیف ۹۷۸، منشی قزوینی مؤلف جواهر الاخبار تألیف ۹۸۴ ق، ملاکمال بن جلال الدین منجم یزدی مؤلف زبدة التواریخ تألیف ۱۰۶۳ ق، میرزا محمد یوسف و اله اصفهانی مؤلف خلد برین تألیف ۱۰۷۸ ق و سید حسن بن مرتضی استرآبادی مؤلف تاریخ سلطانی تألیف ۱۱۱۵ ق. را می‌توان نام برد. این مورخان افزون بر ثبت مشاهدات خویش، عموماً تحت تأثیر آثار این دوره از جمله صفوة الصفاء، فتوحات شاهی و عالم‌آرای عباسی بودند.<sup>۳۶</sup>

بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مورخان عصر صفوی، اغلب در تداوم نگارش تاریخ عمومی، تاریخ صفوی را تا زمان خود ادامه می‌دادند. به طور قطع این مورخان، تاریخ قبل از صفویه را از منابع ادوار قبل اقتباس و رونویسی می‌کردند.

این بخش از تاریخ‌های عصر صفوی، دارای ارزش درجه اول نیستند. در پی مرگ شاه عباس اول و آغاز انحطاط تدریجی حکومت صفویان، تاریخ‌نگاری در این دوره از آن روند تبعیت نمود. هر چند به لحاظ کمیت، تألیفات تاریخ‌نگارانه نیمه دوم عصر صفوی با نیمه اول آن فاصله چندانی ندارد، اما به لحاظ کیفیت، فاصله آن دو مرحله بیشتر است.

طبیعی است که مورخان دوره پس از شاه عباس اول، همان دوره‌ای که اثر مورد پژوهش ما به آن تعلق دارد آنچه را در باب صفویان از مرحله آغاز فعالیت‌های اجداد این سلسله تا پایان حکومت شاه عباس اول بر قلم رانده‌اند، همه را از منابع تاریخ‌نگاری نیمه اول رونویسی و اقتباس کرده‌اند. ارزش تاریخی این منابع به ارزش اطلاعات تاریخی معاصر مؤلفان است. در هر حال انحطاط عمومی تاریخ‌نگاری مرحله دوم مشمول موضوع مورد بحث در این پژوهش نیز می‌شود، چنانچه مورخان این دوره به ندرت وارد بحث نظری مختصری در باب ارائه فهم خود از تاریخ، چپستی و فواید آن شده‌اند و اغلب باید از متن تألیفات آنان به این مهم پی‌برد.<sup>۳۷</sup>

### سبک تاریخ‌نگاری اثر

این کتاب نیز در ادامه سنت تاریخ‌نگاری عمومی ایران در نیمه دوم عصر صفوی نگارش یافت؛ بنابراین مشمول قواعد و قوانین تاریخ‌نگاری عمومی این عهد است که مؤلف آن دارای همان منظومه فکری جهان‌بینی اسلامی است و در تألیف اثر خود به روایت‌های اسلامی و البته تا حدود زیادی ایرانی تکیه دارد و با این پیشینه به نگارش تاریخ خود پرداخته است؛ البته مؤلف، اثر خود را به تحولات ایران محدود کرده و وقایع و تحولات عالم و به خصوص جهان اسلام را تنها در مواردی که با تاریخ ایران بستگی وهم‌پوشانی دارد، روایت کرده است. مؤلف، اثر خود را برخلاف شیوه مرسوم این نوع تاریخ‌نگاری (عمومی) با بیان تاریخ

خوانشی از نسخه خطی تاریخ عجم به سیاق / علی احمد الیاسی - انوار خاندی

اساطیری ایران از کیومرث (نخستین انسان و نخستین پادشاه) آغاز کرده و تا پایان عهد ساسانی ادامه داده است؛ بدین ترتیب داستان خلقت عالم و شرح آفرینش آدم و سرگذشت انبیاء و پیامبران را نادیده گرفته است.<sup>۳۸</sup>

به نظر می‌رسد که مؤلف در تدوین این بخش، بیشتر تحت تأثیر روایت‌های ایرانی داستان خلقت عالم و آفرینش نخستین انسان بوده و اشاره وی به کتاب شاهنامه فردوسی، این نظریه را قوت می‌بخشد.<sup>۳۹</sup> نویسنده در ادامه بحث برخلاف سنت مرسوم و شیوه معمول تاریخ‌نگاری عمومی، تاریخ زندگانی پیامبر (ص) و خلفای راشدین و گسترش اسلام در ایران را نادیده گرفته و به بیان تاریخ سلسله‌های اسلامی (اموی) پرداخته و بعد تاریخ سلسله‌های ایرانی را ذیل تاریخ خلفای عباسی تدوین کرده. وی دلیل این مسئله را تابعیت حکومت‌های ایرانی از خلافت عباسی بیان کرده است.<sup>۴۰</sup>

بدین ترتیب مؤلف، تاریخ سلسله‌های ایرانی را تا عصر خود نگاشته و از این رو، اثر وی به صورت خلاصه‌ای از تاریخ سلسله‌ها و تواریخ محلی درآمده (البته به استثنای حکومت‌های طاهریان، آل مظفر، آل اینجو، آل کرت، سریداران و قراقویونلوها) که از آنها در این کتاب، ذکری به میان نیامده است؛ بنابراین با چشم‌پوشی از این مسائل و پاره‌ای دیگر که به آن اشاره رفت، این اثر در شمول قواعد و قوانین تاریخ‌نگاری عمومی است که بخش تاریخ قبل از صفویان را براساس منابع قبلی نگاشته و در واقع از آنها گرت‌برداری کرده است که درمبحث دیگری به این مسئله پرداخته خواهد شد؛ همچنین این اثر درموردتحوولات و رویدادهای آغازین دوره صفوی و تکاپوهای اجداد این سلسله تا سال‌های حکومت شاه عباس اول، همه را از منابع تاریخ‌نگاری نیمه اول عصر صفوی، رونویسی و اقتباس کرده است. ارزش تاریخی این کتاب وابسته به اطلاعات تاریخی زمان شاه عباس اول و به خصوص شاه صفی است که مؤلف با آنها معاصر بوده که یا حاصل مشاهدات خود اوست یا از افراد مطلع در این زمینه جستجو کرده‌ها اینکه به منابع و اسناد دولتی دسترس داشته که البته مهارت وی در علم سیاق و حسابداری، این مسئله اخیر را قوت و اعتبار می‌بخشد یا حتی از شیوه‌ای تلفیقی از تمام موارد بالا اطلاعات لازم را کسب کرده است.

### منابع کتاب و مقایسه پاره‌ای از متن آنها با اثر

محمد ابراهیم بن اسماعیل مانند سایر مورخان عصر صفوی که در حوزه تألیف تواریخ عمومی فعالیت داشتند، در اثر خویش از تعدادی از منابع و متون متقدم و ما قبل صفوی بهره برده است. در یک نگاه کلی، منابع و متون مورد استفاده وی را می‌توان به دو دسته قبل و بعد از صفوی تقسیم کرد. وی در نگارش اثر خویش راجع به دوران قبل از صفویه از متون و منابع ما قبل از صفوی بهره برده و در نگارش تاریخ دوران صفویه نیز از دو گروه منابع اطلاعاتی استفاده جسته است؛ همچنین در بخش دوره آغازین حکومت صفوی از متون متقدم بهره برده و در نگارش تاریخ معاصر خود نیز از سایر روش‌ها و شیوه‌ها مانند مشاهده، کسب اطلاعات از افراد مطلع یا دسترسی به اسناد و مکتوبات دولتی یا آمیزه‌ای از این سه شیوه استفاده کرده است. در یک نگاه دیگر، منابع و متون مورد استفاده وی در تألیف اثرش را می‌توان به دو بخش قابل تقسیم

خوانشی از نسخه خطی تاریخ عجم به سیاق/ علی احمد الیاسی- انوار خالندی

دانست: الف - آندسته از متون و منابعی را شامل می‌شود که وی ضمن بهره‌برداری از آنها، اسامی منابع را نیز در اثر خویش ضبط کرده و به عبارت دیگر از آن منابع و متون در اثر خویش یاد کرده است؛ مانند تاریخ گزیده تألیف حمدالله مستوفی و شاهنامه ابوالقاسم فردوسی.<sup>۴۱</sup>

ب - شامل آن دسته از متون و منابعی می‌شود که مؤلف ضمن استفاده از آنها در تدوین تألیف خویش، هیچ یادی هم از آنها در اثرش نکرده است؛ مانند: لب‌التواریخ عبدالطیف قزوینی، حبیب‌السیار تألیف خواندمیر و سایر منابع.<sup>۴۲</sup>

بنابراین برای مشخص شدن میزان تأثیر منابع مورد استفاده نویسنده در تدوین اثرش و چگونگی گرت‌برداری وی از منابع، به بیان مقایسه‌ای پاره‌ای از مطالب برخی از این متون با این اثر در هر دو گروه یاد شده اقدام می‌کنیم تا چند و چون استفاده و میزان و گستردگی آن محرز گردد. همچنان که قبلاً یادآوری شد، یکی از منابع و متون مورد استفاده مؤلف در تدوین تاریخ قبل از اسلام تاریخ گزیده حمدالله مستوفی بود و اثر دیگر که مؤلف ذکری از آن به میان نیاورده، لب‌التواریخ قزوینی است؛ بنابراین اکنون به مقایسه پاره‌ای از مطالب این اثر با پاره‌ای از مطالب دو اثر فوق می‌پردازیم.

تاریخ عجم سیاق	تاریخ گزیده
طهمورث بن هوشنگ بن سیامک بن کیومرث؛ لقب او دیوبند. مدتی با دیوان به بهای خون سیامک حرب کرده، بسیاری را به قتل رساند و مابقی را محکوم حکم گردانید. لقبش زیناوند، یعنی تمامت اسلحه کار فرمایند آیین روزه داشتن به جهت قحطی که در ایام او به هم رسید، پیدا شد. <sup>۴۴</sup>	طهمورث بن سیامک بن کیومرث، بعضی مورخان نشش گویند. طهمورث بن یونجهان بن هونکهد بن هوشنگ، لقب او را دیوبند گویند جهت آنکه دیوان، مأموران امر او بودند و بعضی لقبش زیناوند گویند؛ یعنی تمامت اسلحه را کار فرمایند. آئین روزه داشتن در عهد او پدید شد، جهت آنکه قحطی عظیم اتفاق افتاده بود. <sup>۴۳</sup>

مؤلف اثر در بخش تدوین تاریخ ایران بعد از اسلام هم از تاریخ گزیده و اقتباس کرده است. برای نمونه قسمت مربوط به یعقوب لیث را نقل می‌کنیم:

تاریخ عجم سیاق	تاریخ گزیده
یعقوب بن لیث بعد از وفات درهم بن نصر در سر پسرش خروج کرده، در سنه ۲۳۷ در بعضی ولایات سیستان متولی شد و در سنه ۲۵۳ بر تمامی سیستان مستولی شد. <sup>۴۶</sup>	یعقوب بن لیث پس از وفات درهم بن نصر، بر پسرانش صالح و نصر خروج کرد. در سنه سبع و ثلاثین و مائین و بر بعضی ولایات سیستان مستولی شد. امرا و ارکان دولت در هم بن نصر با او متفق شدند تا در سنه ثلاث و خمسین بر تمامت ولایت سیستان مستولی شد. <sup>۴۵</sup>

حال به بررسی تطبیقی منبع دیگر با این اثر اشاره می‌شود:

تاریخ عجم سیاق	لب التواریخ
کیقباد بن زاب و طهماسب بن منوچهر، با مدد زال و رستم، شاه ایران شد و ایران از دست افراسیاب بسته و ده یک خراج جهت لشکر بنهاد و مردم در عهد او به کشاورزی کوشیده، فرسنگ او بدید کرد. <sup>۴۸</sup>	اول ایشان کیقباد بن زاب بن زوین طهماسب بنا منوچهر، بمدد زال زر و پسرش رستم، از دست افراسیاب ایران مستلخص گردانید و ملک او را صافی گشت ... ده یک خراج برای لشکر بنهاد و مردم به عهد او به کشاورزی کوشیدند و فرسنگ او بدید کرد. <sup>۴۷</sup>

بدین ترتیب مؤلف در تدوین اثر خود در مباحث تاریخ ایران قبل از اسلام و تاریخ ایران بعد از اسلام تا تیموریان، از تاریخ گزیده اثر حمدالله مستوفی و لب التواریخ اثر عبدالطیف قزوینی بهره جسته؛ البته در این مباحث تأکید وی بیشتر بر تاریخ گزیده بوده است، همچنان که نمونه‌های ارائه شده به روشنی این مسئله را بیان می‌کند.

در این مجال به مقایسه متون گروه دوم که مورد اقتباس نویسنده اثر بوده و ذکر آن در این اثر مشاهده نمی‌شود، می‌پردازیم؛ البته ناگفته نماند که یکی از برجسته‌ترین آثاری که الگوی مؤلف ما بوده، تاریخ حبیب‌السیر اثر خواندمیر است.

بخش‌های مربوط به دوره تیمور و جانشینانش و حکومت‌های محلی مانند آل جلایر، آل چوپان، آق قویونلوها و دوران آغازین حکومت صفوی تا سال‌های پایان حکومت شاه اسماعیل اول را براساس این اثر مبتنی کرده و به رشته تحریر در آورده است. به منظور محرز شدن این مسئله چند نمونه را ذکر می‌کنیم:

تاریخ عجم سیاق	حبیب‌السیر
در روز جمعه ۲۳ شهر ربیع‌الاول سنه ۸۳۵، احمد نامی در مسجد جامع هرات، کاردی به بدن آن حضرت رسانیده، احمد در همان ساعت کشته شد و در ولایت ری در ذی‌حجه سنه ۸۵۰، عنان عزیمت به صورت آخرت انعطاف داد. <sup>۵۰</sup>	در روز جمعه ۲۳ ربیع‌الآخر سنه ثلثین و ثمانمائه بدبختی احمد نام در مسجد جامع هرات، کاردی به بدن آن حضرت رسانیده، احمد کشته شد... در ولایت ری در ذی‌حجه سنه خمسين و ثمانمائه عنان عزیمت به صوب عالم آخرت انعطاف داد. <sup>۴۹</sup>

البته لازم به ذکر است که مؤلف در برداشت از حبیب‌السیر، مطالب را بسیار خلاصه و موجز نقل کرده و می‌توان گفت که فقط به بیان شمه‌ای از رویدادها و سال‌شمار مربوط به آنها اشاره کرده است. مطلب دیگر آنکه در تاریخ حبیب‌السیر، مطالب مربوط به آق قویونلوها در ضمن تاریخ تیموری و صفوی بیان شده، اما در تاریخ عجم سیاق به صورت یک مبحث جداگانه ذکر شده است.

البته مؤلف در تدوین تاریخ سال‌های آغازین حکومت صفوی مباحث مربوط به فعالیت‌های اجداد صفویان

را که در سایر متون تاریخی عصر یک سنت دیرین و رسم معهود بود به کناری نهاده و تاریخ «پادشاهان ناجیه صفوی» را از یک اشاره کوتاه و گذرا به سلسله نسب شاه اسماعیل آغاز کرده و تا پایان حکومت شاه صفی ادامه داده است.

منابع و متون الگویی وی در این بخش، همچنانکه قبلاً بیان شد، تاریخ حبیب‌السییر اثر خواند میر بود. علاوه بر این، مؤلف در تدوین این بخش از اثر خود، به منابع و متون متقدم و همعصرش نیز مانند تاریخ جهان آرا اثر قاضی احمد غفاری، احسن‌التواریخ اثر حسن بیگ روملو، جهانگشای خاقان از مولفی ناشناخته، تکمله‌الخبار اثر عبدی بیگ شیرازی، عالم‌آرای عباسی اثر اسکندر بیگ منشی و خلاصه‌السییر اثر محمد معصوم خواجگی اصفهانی، متکی بوده است. به عنوان شاهد مثال، نمونه‌هایی را یاد آور می‌شویم.

جهانگشای خاقان	تاریخ عجم سیاق
در اثنای راه؛ معلوم آن پادشاه ستاره سپاه شده که یکی از بنایر میرزا جهانشاه ترکمان که موسوم به سلطان حسین بارانی بود، با جمعی کثیر از مردم فتنه‌انگیز شورشی طلب، در حدود کوچه انگیز اقامت دارد. <sup>۵۱</sup>	بعد از واقعه سلطانعلی میرزا در لاهیجان با کار کیا میرزا علی می‌بود از آنجا به جانب اردبیل در حرکت آمده، با صوفیان روانه کوچه تنگز شد و سلطان حسین بارانی که از انباء میرزا جهانشاه در کوچه تنگز بود <sup>۵۲</sup> و ...

علاوه بر این، اثر مذکور از لحاظ تبویب و فصل‌بندی، شباهت‌های زیادی به جهان‌آرای قاضی احمد غفاری دارد و از جهت ترتیب سال‌شماری وقایع و رویدادها، ماندگی‌هایی زیاد به احسن‌التواریخ اثر روملو دارد. به لحاظ بر شمردن مناصب اداری و دیوانی و اسامی امرا، علما، شعرا، صدور و بزرگان، شباهت‌هایی به عالم‌آرای عباسی دارد و در بخش سلطنت شاه صفی و سال‌های پایانی زندگی وی، تشابهاتی با خلاصه‌السییر دارد.

**بررسی اندیشه تاریخننگاری مؤلف**  
این اثر فاقد هر نوع مقدمه و دیباچه‌ای است که بتوان اطلاعاتی را در زمینه زندگی مؤلف، انگیزه یا انگیزه‌های وی از تألیف اثر خویش و چپستی و محتوای تاریخ از دیدگاه وی استنتاج کرد. یکی از راه‌حل‌های جبران این نقیصه، اطلاع و آگاهی از منابع الگویی وی در تألیف اثر و سال تألیف آن است. بنا بر گفته خانم کوبین در اثرش، «برای استفاده بهتر از متون تاریخی عصر صفویه، باید این متون را در پرتو الگوهای تاریخی آنان مطالعه کرده، تغییراتی را که توسط هر نسل از مورخان ایجاد شده، بررسی کنیم»<sup>۵۳</sup>. متون مورد اقتباس مؤلف در تدوین رویدادها و تحولات ما قبل صفویه، شامل منابعی همچون تاریخ گزیده از حمدالله مستوفی و حبیب‌السییر اثر خواند میر و تا حدودی لب‌التواریخ اثر عبداللطیف قزوینی بوده است. بنابراین مؤلف در تدوین این بخش از اثر با رونویسی از منابع مزبور، تحت تأثیر اندیشه‌های تاریخ‌نگاری ماقبل صفوی، مغولان و تیموریان بوده که مهم‌ترین مشخصه‌های تاریخ‌نگاری آن دوران

عبارت بودند از: گسترش افق دید تاریخی از طریق آشنایی با تفکر و سنن مغولی و نوشته‌های آنان، تبیین تحولات تاریخی بر مبنای تقدیرگرایی مشیت الهی و جبرگرایی، عدم توجه به خردگرایی و واقع‌گرایی در تحلیل تحولات تاریخی، عدم تحول در روش تاریخ‌نگاری و پیروی از سبک تاریخ‌نگاری محلی به منظور ارائه رویدادها، انتخاب زبان فارسی به عنوان زبان نگارش اثر و به کارگیری لغات ترکی و مغولی در آن، آشکار کردن کسب آگاهی نسبی از هویت قومی و سرزمینی<sup>۴</sup> در بیان اصطلاحاتی مانند «پادشاهان مملکت ایران» از سوی مؤلف، ساده نویسی و دوری از عبارات متکلفانه.

بنابراین مؤلف در تدوین این بخش از اثرش، تحت تأثیر اندیشه‌های فوق‌تر قرار داشته و روایات مورخان الگورا در بسیاری از موارد، بدون هیچ گونه دخل و تصرفی رونویسی کرده است و در بیان تاریخ و رویدادهای آن در قالب پادشاهان مملکت ایران اقدام کرده؛ همچنین بخش‌های از وقایع تاریخی را به دلیل اینکه خارج از حوزه جغرافیایی ایران رخ داده، بازگویی نکرده است؛ مانند: تاریخ پیامبران و انبیاء، تاریخ پیامبر اکرم (ص) و امامان شیعه (ع) و برخی مطالب دیگر. البته مؤلف در بازنویسی رویدادهای ما قبل صفوی، دخل و تصرفات اندکی را هم در متن ایجاد کرده است که بعداً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از راه‌حل‌های کشف اندیشه تاریخی مؤلف، زمانه و عصر زندگی وی است که با توجه به حیات مؤلف در عصر صفوی و تألیف اثر در آن زمانه و این واقعیت که وی به عنوان عضوی از بیکرة اجتماع زمان خود متأثر از تحولات فکری، سیاسی و اقتصادی عصرش بوده است، به بیان مهم‌ترین تحولات فکری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن زمانه و بررسی تأثیر آن بر مؤلف اقدام می‌کنیم.

آنچه از دیدگاه ویژگی‌های سیاسی عصر صفوی به لحاظ فکری در جامعه آنان تأثیرگذار بود و این اندیشه‌ها در تاریخ‌نگاری انعکاس یافت، می‌توان به تشکیل دولت نیرومند و تا حدودی متمرکز و در چارچوب مرزهای تاریخی اشاره کرد که منجر به رشد مفهوم آگاهی ملی شد و در آثار مورخان این دوره منعکس گردید که در این زمینه می‌توان به کاربرد اصطلاح «پادشاهان مملکت ایران» از طرف مؤلف اشاره کرد و نیز اصطلاحات «پادشاهان عجم» و «ملک ایران» بر این واقعیت دلالت دارد. در همین رابطه مؤلف از بازنویسی و شرح رویدادهای مربوط به اسماعیلیان شام و مصر خودداری کرده است. در بخش پادشاهان مغول هم قسمتی را که در ترکستان سلطنت کرده‌اند، با این استدلال که در ایران پادشاهی نکرده‌اند، بازگویی نکرده است.

یکی دیگر از اختصاصات فکری وی، ابتناء آن بر اندیشه‌های تصوف، تشیع و نقش خاندان صفوی بود که در فضای فکری مؤلفان این دوره تأثیرگذار بوده است و این تأثیرگذاری از چند جهت مانند اندیشه‌های صوفی‌گری که در بیان القابی که برای سران و پادشاهان صفوی به کار برده شده، نمایان است. از جمله مؤلف در بخش تدوین تاریخ پادشاهان صفویه، از اصطلاح «پادشاهان ناجیه صفویه» استفاده کرده یا در لقب «سید» برای اجداد شاه اسماعیل، از جمله قطب‌الدین انعکاس یافته است.

ویژگی دیگر، اختصاصات اجتماعی و اقتصادی آن دوره است که تاریخ‌نگاری آن دوره به مثابه یک حوزه اصلی فرهنگی نمی‌توانست از تغییرات اجتماعی و اقتصادی جامعه عصر صفوی برکنار باشد و از توصیف و

خوانشی از نسخه خطی تاریخ عجم به سیاق/ علی احمد الیاسی - انوار خالندی

تبیین اوضاع اقتصادی و اجتماعی غافل بماند. میزان توجه مورخ به مسائل اجتماعی از الگوی ساختار هر می عصر صفوی تبعیت کرده، اقشار مختلف اجتماعی برحسب میزان دوری و نزدیکی و برخورداری از قدرت منزلت سیاسی و اجتماعی پیدا کردند. به همان نسبت نیز مورد توجه مورخ واقع شدند که در این زمینه به نقش شاهان در حوادث تاریخی و سایر طبقات برگزیده اجتماعی در این اثر می توان توجه کرد؛ لذا مؤلف به بیان طبقات اجتماعی برتر اقدام کرده و در قسمت‌هایی از اثرش به شرح حال علما، فضلا، دانشمندان، صدور، مستوفیان، امرا و غیره پرداخته است.

شاه و خاندان سلطنت که در رأس هرم اجتماعی قرار دارند، تشریح منزلت سیاسی شاندر کانون توجه مؤلف واقع شده است. مسائل طبقات اجتماعی دیگر که فاقد قدرت و منزلت سیاسی بودند، تنها زمانی که مسئله و خطری را متوجه کانون قدرت می کردند، طرف توجه مورخ بودند. در این زمینه می توان به شورش غریب شاه گیلانی و شورش درویش خسرو قزوینی در زمان شاه صفی و شاه عباس اول اشاره کرد که مؤلف آنها را در تألیف خود گنجانده است.

بنابراین مسائل اجتماعی و اقتصادی را باید از لابه لای مباحث سیاسی و عقیدتی جستجو کرد که گاهی به پدیده‌های اجتماعی ارتباط پیدا کرده‌اند. در مجموع علت کم توجهی مؤلف به مسائل اجتماعی و اقتصادی را می توان غلبه اندیشه سیاسی و نظامی در فهم تاریخ عنوان کرد. در دوره شاه صفی (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ق) به دلیل از بین رفتن و فرو کاستن تب و تاب ایدئولوژیکی مرحله اول و همین طور کاهش ثبات و آرامش نسبی دوره شاه عباس اول از توجه به آن دو وجه مسائل ایدئولوژیکی و اقدامات اجتماعی و عمرانی پادشاه کاسته شد و در نهایت به برداشتی سطحی از مبانی تاریخ در نزد مؤلف منجر شد. نتیجه آن شد که نه تکاملی در تاریخ نگاری مؤلف دیده می شود، بلکه افت محتوایی نیز رخ داد و مؤلف به تلخیص و رونویسی از منابع قبلی اکتفا کرد که قبلاً نمونه‌هایی از آن ذکر شد.

در مجموع تأثیر شرایط عمومی فکری، سیاسی و اجتماعی و بازتاب آن را در اندیشه تاریخ نگاری وی می توان ملاحظه کرد، چنانچه مولف از نگاه انتقادی به فهم تاریخ بازمانده؛ در نتیجه در صحت و سقم اطلاعات و اندیشه مندرج در آنها شک علمی روا نداشته و در پی فهم مجدد و بازنگری جدی تولید تاریخ گذشته نرفته و به مبانی فکری جدید برای تألیف اثرش دست نیافته است. در این زمینه می توان به رونویسی وی از منابع متقدم بدون هر گونه تفکر و مذاقه اشاره کرد و حتی روایت اخبار عجیب و غریب و دور از ذهن را هم در اثر خود ذکر کرده است؛ مانند روایت بارش باران شبیه دانه گندم در قاین که مردم با آن نان می پختند.<sup>55</sup>

مؤلف همانند سایر مورخان عصر صفوی و دوره‌های قبل، در اثرش به ارائه تعریفی از تاریخ و فواید آن نپرداخته و از این مسئله حیاتی در تألیف خویش بازمانده است. از لابه لای مطالب وی می توان به تقلیدش از مورخان ادوار متقدم پی برد که بر اساس جهان بینی اسلامی خود به تقسیم تاریخ ایران در دو بخش قبل از اسلام وبعد از اسلام اقدام کرده و به باز پروری و پرورش مطالب خود پرداخته است؛ البته در این زمینه با کتاب و متون الگوی خود هم تفاوت‌هایی دارد؛ از جمله آن می توان به عدم بازنویسی تاریخ پیامبران و

انبیاء، داستان خلقت جهان، زندگی پیامبر اسلام و خلفای راشدین اشاره کرد. مؤلف در نوع تدوین و تبویب اثر خود، علایق سرزمینی‌اش را نمایانده است. در حوزه مسائل نظری تاریخ نیز مؤلف با سکوت خود از فقدان یک سنت معرفت‌شناسانه در حوزه فهم تاریخ و چیستی و فواید آن رنج می‌برد، به گونه‌ای که مورخ پاسخ به چنین سؤالاتی را در حدود وظایف خود ندانسته است؛ بنابراین وی نیز تحت تأثیر دیگر منابع عصر صفوی همچون حبیب‌السیر و لب‌التواریخ قرار گرفته است.

هدف مهمی که مؤلف در پی محقق ساختن آن بوده و شاید بتوان آن را به عنوان یکی از انگیزه‌های اصلی وی در تألیف اثرش به حساب آورد، تبیین تاریخ صفویان در تداوم تاریخ ایران و اسلام و ایجاد جایگاهی شایسته و ریشه‌دار در تاریخ بود که در زمان خود به آن دست یافتند. گواه این سخن، آن است که مؤلف، تاریخ ایران را به طور پیوسته و مداوم از دوران اساطیری تا زمان خود بیان کرده است.

از دیگر زوایای انعکاس اندیشه دینی و مذهبی عصر صفوی در این اثر می‌توان به مباحث زیر اشاره کرد: نخست آنکه مؤلف، مبحث خلفای سه‌گانه را بر خلاف متون متقدم‌الگوی خود، نادیده انگاشته که ناشی از تعصب شدید مذهبی وی است و علاوه بر آن هر گاه یادی از خلفای سه‌گانه شده، لحن وی منفی و نفرین‌آمیز است. در مبحث خلافت خاندان بنی‌امیه نیز مؤلف از آنان به بدی یاد کرده و جملات و کلمات نفرت‌انگیز در موردشان به کار برده است.<sup>56</sup> سرانجام مؤلف در مبحث تاریخ اسماعیلیان نیز لحنی منفی دارد و از اقدامات فعالیت‌های آنان با عنوان «الحاد» یاد می‌کند؛ بدین ترتیب تأثیر عقاید مذهبی در گزینش، طبقه‌بندی و تفسیر مطالب تاریخی در دیدگاه وی نقشی اساسی داشته است.<sup>57</sup>

یکی دیگر از جنبه‌های تأثیرات حوزه دین و مذهب در تاریخ‌نگاری وی را می‌توان شرح درگذشت و زندگانی علمای دینی با طبقات اجتماعی خاص دانست که مؤلف در این زمینه به شرح اسامی صدور، علما، فضلا و غیره اقدام کرده است؛<sup>58</sup> همچنین در ضرورت دفاع فکری از مبانی مشروعیت حکومت صفویان به بیان اقدامات مذهبی پادشاهان صفوی و انتساب آنها به امام موسی کاظم (ع) اصرار خاصی دارد، چنانچه از سفرهای زیارتی شاه عباس اول به مشهد و دیگر اماکن مقدسه یاد کرده و نیز فعالیت‌های عمرانی وی را در حوزه ایجاد مدارس و مساجد بیان کرده است.<sup>59</sup> و از طریق انتساب اجداد شاه اسماعیل به امام موسی کاظم (ع) برای پادشاهان صفوی، قداست سیادت ایجاد کرده و در تمام موارد نیز مخالفان حکومت صفوی را مثنی‌یاعی، قطاع‌الطریق، مرتد و عاصی خوانده که تأکید بر قداست راه و رسم پادشاهان صفوی می‌تواند تلقی شود. مبحث دیگر که تعصب مذهبی مؤلف را آشکار می‌کند، عدم پرداختن جدی به تاریخ شاه اسماعیل دوم است که مؤلف این مبحث را بسیار خلاصه و موجز بیان کرده و به ذکر نقش سکه‌های ضرب وی اشاره کرده که حاکی از تمایلات شیعی پادشاه مذکور است. این مسئله ناشی از شائبه‌های مذهبی در مورد اعتقادات وی و ماهیت اقدامات وی در این زمینه است که حتی از وی به عنوان شاه اسماعیل کوچک یاد کرده است.<sup>60</sup>

### نتیجه‌گیری

تاریخ‌نگاری صفوی با حلقه‌هایی محکم به سنن تاریخ‌نگاری ادوار قبل از خود متصل بود و تداوم



تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی محسوب می‌گردید. از طرف دیگر سرآغاز دوره جدید در تاریخ ایران محسوب می‌شد و شناخت سبک و رهیافت‌های عصر صفوی فقط در سایه شناخت میراث گذشته، امکان پذیر می‌نماید. مورخان عصر صفوی تحت تأثیر متون متقدم و الگو‌گزینی از میان آنها بودند، مؤلف اثر نیز در ثبت و بیان رخداد‌های تاریخی به متون متقدم متوسل شده، به الگو‌برداری از آنان پرداخته که این مسائل به چند گونه در اثر وی نمایان است. وی گاهی به رونویسی کلمه به کلمه پرداخته و گاهی متون یا متنی را به عنوان الگو در نظر گرفته و تغییرات در واژه‌ها و عبارات ایجاد کرده و در پردازش اثر خود هیچ گونه خلاقیت و ابتکار عملی را نشان نداده است. در مورد ثبت رویدادهای معاصر خود هم یا حاصل مشاهدات خود او بوده یا از افراد مطلع شنیده یا اینکه به اسناد دولتی دسترسی داشته‌ها تلفیقی از موارد بالا را به کار گرفته است. همانطور که پیشتر ذکر شد، سبک تاریخ‌نگاری صفویان ادامه سنت‌های پیشین تاریخ‌نگاری بود که تاریخ‌نگاری عمومی، یکی از اشکال دیرین آن است و در دوره صفوی هم تداوم یافت. مؤلف نیز اثر خود را در قالب تاریخ‌نگاری عمومی نگاشت که از نظر نگارش ادبی هم تحت تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی زمانه خود بود. اثر وی دارای سبکی ساده و روان است که اصطلاحات ترکی و مغول هم در آن یافت می‌شود. محتوای این اثر - همچنانکه در متن اصلی پژوهشی بیان شده شامل تاریخ پادشاهان ایران از دوران اساطیری تا زمان مولف است که هدف مؤلف ظاهراً نشان دادن تداوم تاریخ صفوی در جریان تاریخ ایران است.

در باب دیدگاه‌های تاریخ‌نگاری مؤلف، مسائل و مشکلاتی وجود دارد که ناشی از فقدان مقدمه یا دیباچه در اثر مزبور است. از آنجا که دیباچه‌های متون تاریخی معمولاً در بردارنده اطلاعاتی درباره نویسنده اثر، انگیزه یا انگیزه‌های تألیف اثر و تعریف تاریخ از دیدگاه وی است، این مهم اهمیت دو چندان پیدا می‌کند. به هر حال برای جبران این نقیصه، اقدام به کشف الگوهای اثر و شناسایی زمانه و عصر مؤلف و شناخت شاخص‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی عصر وی به بازشناسی بینش و روش وی در تاریخ اقدام شد. از آنجایی که مؤلف در بازنویسی تاریخ دوران ما قبل صفوی تحت تأثیر مورخانی مانند خواندمیر در حبیب‌السیور و حمدالله مستوفی در تاریخ‌گزیده بوده، خواه ناخواه تحت تأثیر اندیشه تاریخ‌نگاری مربوط به آنان قرار داشته است که مهم‌ترین شاخص‌های آن عبارت است از: تبیین تحولات تاریخی بر مبنای تقدیرگرایی و مشیت الهی، عدم استفاده از خردگرایی و واقع‌گرایی در تحصیل تحولات تاریخی، تقلیل تاریخ به سطح وقایع‌نگاری. در مبحث مربوط به تاریخ صفویان نیز مؤلف به الگو‌گزینی از میان متون تاریخی همچون لب‌التواریخ، جهانگشای خاقان، احسن‌التواریخ و عالم‌آرای عباسی پرداخته و خواه ناخواه تحت تأثیر اندیشه‌های تاریخ‌نگاری آن قرار داشت که مهم‌ترین ویژگی‌های آن عبارت بود از: عدم آگاهی از فلسفه تاریخی و تحلیل فلسفی تاریخ، اعتقاد به فردگرایی و نخبه‌گرایی در تاریخ، تبیین دینی و مذهبی از تاریخ گاه تا حد تعصب شدید دینی، تشیع، تصوف و نظام سیاسی ایران قبل از اسلام به عنوان عناصر غالب فکری، انعکاس مسائل مرتبط با مذهب در تاریخ در قالب عناوینی همچون مقامات و مناصب دینی، اعتقاد به موعودگرایی در تاریخ و به تبع آن خط سیر طولی تاریخ.

خوانشی از نسخه خطی تاریخ عجم به سیاق / علی احمد الیاسی - انوار خاندی

### پی‌نوشت‌ها:

۳. منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۶، نشریه شماره ۵۴، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، بی‌تا. ص ۴۱۰۷
۴. مجمل‌التواریخ، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۵۶/۱ ص ۱۳۷.
۵. حائری، عبدالحسین، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۱۷، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۱۵۳-۱۵۵.
۶. همان، ص ۱۵۴.
۷. محمد ابراهیم بن اسماعیل، تاریخ عجم به سیاق، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۵۶۹۸، ص ۱۴۴.
۸. حائری، عبدالحسین، همان، ص ۱۵۵
۹. انوار، سید عبدالله، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی، ج ۱، کتب فارسی از شماره (۱-۵)، تهران، چاپخانه دانشسرای عالی، ۱۳۴۳، ص ۴۲.
۱۰. همان، ص ۴۳
۱۱. منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۶، ص ۵۲.
۱۲. مجمل‌التواریخ، نسخه خطی، کتابخانه ملی، ش ۵۶/۱، ص ۱۳۷
۱۳. انوار، عبدالله، همان، ص ۴۳
۱۴. در این باره بنگرید: فهرست دیو ج ۱ ص ۱۳۸، استوری، ج ۱، ص ۱۵۷؛ فهرست مجلس، ج ۱۹، ص ۴۲۲؛ فهرست کتابخانه رضوی، ج ۷، ص ۱۲۶؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۶، ص ۴۱۰۰-۴۱۰۷.
۱۵. محمد ابراهیم بن اسماعیل، تاریخ عجم به سیاق، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۳.
۱۶. همان، ص ۱۳۳.
۱۷. همان، ص ۱۰۹-۱۰۸.
۱۸. انوار، سید عبدالله، همان، ص ۴۳
۱۹. فهرست نسخه‌های خطی مجلس شورای اسلامی، ص ۱۵۳
۲۰. محمد ابراهیم بن اسماعیل، همان ص ۱۳۳-۱
۲۱. حائری، عبدالحسین، همان، ص ۱۵۳-۱۵۵
۲۲. محمد ابراهیم بن اسماعیل، همان. ص ۵
۲۳. همان، ص ۱۱-۱۵.
۲۴. همان، ص ۱۷-۲۰.
۲۵. همان، ص ۲۰-۲۸.
۲۶. همان، ص ۳۲-۲۸/۳۲.
۲۷. همان، ص ۳۲-۷۷.
۲۸. همان، ص ۹۲-۱۰۸.
۲۹. همان، ص ۱۰۸-۱۳۳.
۳۰. بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۶۶-۱۶۸.
۳۱. همان، ص ۱۸۴.

۳۲. براون، ادوارد، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، چاپخانه روشنایی، بی تا، ج ۴، ص ۲۵۶.
۳۳. بهار، محمد تقی، همان، ص ۳۱-۳۰۰.
۳۴. آرام، محمد باقر، *اندیشه تاریخ نگاری عصر صفویه*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶، ص ۲۹۹-۲۳۰.
۳۵. صفا، ذبیح الله، *تاریخ ادبیات ایران*، ج ۵، بخش ۳، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶، ص ۱۵۵۲.
۳۶. برای اطلاع بیشتر در این زمینه بنگرید به: اشپولر و دیگران، *تاریخ نگاری در ایران*، ترجمه و یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۸۰، ص ۱۶۴-۱۶۳؛ آرام، *اندیشه تاریخ نگاری در عصر صفوی*، ص ۲۳۸-۲۳۶؛ ثواقب، جهانبخش، *تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مأخذ آن*، ص ۲۷-۹۰؛ و رهرام، غلامرضا، *منابع تاریخ ایران در دوره اسلامی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص ۹۷-۱۰۲.
۳۷. آرام، محمدباقر، همان، ص ۲۲۶-۲۲۵.
۳۸. محمد ابراهیم بن اسماعیل، همان، ص ۱-۲۸.
۳۹. همان، ص ۴-۱۰.
۴۰. همان، ص ۲۸-۱۳۳.
۴۱. همان، ص ۱۰ و ۴.
۴۲. همان، ص ۹۲-۱۰۸.
۴۳. مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۴۴. محمد ابراهیم بن اسماعیل، همان، ص ۶.
۴۵. مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، ص ۳۷۱-۳۷۰.
۴۶. همان، ص ۳۳.
۴۷. قزوینی، یحیی بن عبدالطیف، *لب التواریخ*، تهران، انتشارات بنیاد و گویا، ۱۳۶۳، ص ۵۸.
۴۸. محمد ابراهیم بن اسماعیل، همان، ص ۱۱.
۴۹. خواند میر، غیاث الدین هماد الدین، *تاریخ حبیب السیر*، ج ۳، تهران، خیام، ۱۳۳۳، ص ۵۵۳-۵۵۴.
۵۰. محمد ابراهیم بن اسماعیل، همان، ص ۹۴.
۵۱. جهانگشای خاقان، *تاریخ شاه اسماعیل*، مصحح دکتر الله تا مضطر راولپندی بی جا، ۱۳۴۸، ص ۱۰۰-۱۰۱.
۵۲. محمد ابراهیم بن اسماعیل، همان، ص ۱۰۸.
۵۳. کویین، شعله ای، *تاریخ نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی*، ترجمه دکتر منصور صفت گل، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، ص ۴۰-۴۵.
۵۴. آرام، محمدباقر، *اندیشه تاریخ نگاری عصر صفوی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶، ص ۱۳۰-۱۳۱-۱۵۶-۱۵۷.
۵۵. محمد ابراهیم بن اسماعیل، همان، ص ۱۱۵.
۵۶. همان، ص ۲۹-۳۲.
۵۷. همان، ص ۵۸-۶۰.
۵۸. همان، ص ۱۳۰-۱۲۹-۱۱۶-۱۱۰.
۵۹. همان، ص ۱۲۲.
۶۰. همان، ص ۱۱۸.